



یادداشت‌های قرآنی

دکتر فریدون سیامکنزاد

یادآوری

موضع‌گیری‌های مختلف مؤمنان و منافقان در برابر جهاد، بسیار متفاوت و متناقض می‌باشد. البته، باید توجه داشته باشیم که تفاوت بین این دو گروه فقط مربوط به جهاد نیست، بلکه در همه زمینه‌ها تفاوت آشکاری بین این دو گروه وجود دارند، که قرآن مجید هم به آن‌ها اشاره کرده است. از این رو، آیه فوق نخست می‌فرماید: مؤمنان پیوسته می‌گویند چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود؟! سوره‌ای که در آن فرمان جهاد باشد و تکلیف ما را در برابر دشمنان سنگ‌دل و خون‌خوار و بی‌منطق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا نَزَّلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَىٰ لَهُمْ (آیه ۲۰ سوره محمد)

کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود (که در آن فرمان جهاد باشد)؟! اما هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می‌گردد که در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیمار دل را می‌بینی که هم چون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته به تو نگاه می‌کنند. پس مرگ و نابودی برای آنان سزاوارتر است!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ
 فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ
 (آیه ۲۱ سوره محمد)

(ولی) اطاعت و سخن سنجیده برای آنان بهتر است و اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی می‌شود، به خدا راست گویند (و از در صدق و صفا در آیند) برای آن‌ها بهتر می‌باشد.

یادآوری

موضع‌گیری‌های مؤمنان و منافقان در برابر جهاد، باز هم مورد بررسی قرار گرفته و قرآن مجید در آیه فوق چنین می‌فرماید که اگر آن‌ها اطاعت کرده و از فرمان جهاد سرپیچی نکنند و سخنان نیک و سنجیده و شایسته بگویند، برای آن‌ها بهتر است. تعبیر به «قول معروف» ممکن است در مقابل سخنان ناموزون و منکری باشد که منافقان بعد از نزول آیات جهاد سر می‌دادند. گاهی براساس آیه ۸۱ سوره توبه می‌گفتند: در این گرمای شدید به سوی میدان جهاد بروید! زمانی طبق آیه ۱۲ سوره احزاب بیان می‌داشتند که خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین پیروزی، چیزی به ما وعده نداده‌اند! گاهی برای سست کردن افراد با ایمان و باز داشتن از میدان نبرد، طبق آیه ۱۸ سوره احزاب می‌گفتند: به سوی ما بیا و خوش باش! به این ترتیب مشخص می‌شود که منافقان نه تنها

روشن سازد، سوره‌ای که آیات آن نور هدایت بر قلب ما بپاشد و روح و جان ما را با فروغ خود روشن نماید. به این ترتیب وضع حال مؤمنان راستین مشخص می‌شود، ولی هنگامی که سوره محکم و استواری نازل می‌گردد که در آن نامی از جنگ و جهاد است، منافقان بیمار دل را می‌بینی که هم چون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته، با نگاهی مات و مبهوت و چشمانی که حلقه آن‌ها از کار ایستاده به تو می‌نگرند! از شنیدن نام جنگ چنان وحشت و اضطراب سر تا پای آن‌ها را فرا می‌گیرد که نزدیک است قالب تهی کنند! فکرشان از کار می‌افتد، سیاهی چشم از حرکت باز می‌ایستد و هم‌چون کسانی که نزدیک است قبض روحشان شود، نگاهی بی‌حرکت و خیره، بی آن‌که پلک‌های چشم به هم بخورد، دارند. چنانچه مشاهده می‌شود، این گویاترین تعبیری از حال منافقان ترسو و بز دل است! تفاوت بسیار زیاد مؤمنان و منافقان در زمینه‌های مختلف به‌خصوص در مورد جهاد و مبارزه به این دلیل است که مؤمنان به خاطر ایمان محکم‌شان، هم به لطف و عنایت و یاری پروردگار امیدوار هستند و هم از شهادت در راه او پروا ندارند، ولی منافقان، صحنه جهاد را میدان مرگ و نابودی و بدبختی می‌دانند و میدانی برای شکست و جدایی از لذات دنیا می‌پندارند (پنج شنبه ۱۴۰۰/۲/۲).

مردم را تشویق به جهاد نمی‌کردند، بلکه در تضعیف روحیه آن‌ها سخت می‌کوشیدند. سپس، آیه می‌افزاید: اگر آن‌ها هنگامی که برنامه‌ها محکم می‌شود و فرمان جهاد قطعیت می‌یابد به خدا راست گویند و از در صدق و صفا در آیند، برای آن‌ها بهتر است. هم در این دنیا باعث سربلندی آن‌ها است و هم در آخرت به پاداش و ثواب بزرگ و فوز عظیم نایل می‌شوند. جمله «عزم الامر» در اصل اشاره به محکم شدن کار است، ولی به قرینه آیات قبل و بعد، منظور از آن، جهاد می‌باشد. به این ترتیب چهره منافقان در برابر افراد مؤمن به درستی ترسیم شده، ماهیت آن‌ها در برابر دستورات خداوند تبارک و تعالی به خوبی نشان داده می‌شود (جمعه ۱۴۰۰/۲/۳).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
وَتَقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ (آیه ۲۲ سوره محمد)

اگر (از این دستورها) روی گردان شوید، جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟!

یادآوری

نتیجه سرپیچی افراد منافق و گمراه که حاضر نیستند به راه آیند و دست از مخالفت با مؤمنان و پیروان راه حق بردارند، به خوبی در آیه فوق ترسیم شده و خطاب به آن‌ها چنین می‌گوید: اما اگر مخالفت

را پیش گیرید و از فرمان خدا و عمل به کتاب او روی گردان شوید، آیا جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد کنید و قطع رحم نمایید؟! زیرا اگر از قرآن و توحید روی گردان شوید، قطعاً به سوی جاهلیت باز می‌گردید و برنامه‌های جاهلی چیزی جز فساد در زمین، قتل و غارت و خون‌ریزی و کشتن خویشاوندان و دختران نبود! این مسایل در صورتی است که «تولیتیم» از ماده «تولی» به معنی روی گردان شدن باشد، ولی بسیاری از مفسران این احتمال را داده‌اند که از ماده «ولایت» به معنی حکومت است، یعنی اگر زمام حکومت به دست شما بیفتد، چیزی جز تباهی و خون‌ریزی و قطع رحم از شما انتظار نمی‌رود. گویا جمعی از منافقان برای فرار از میدان جهاد، این بهانه را درست کرده بودند که ما چگونه به میدان نبرد پا بگذاریم و خون‌ریزی کنیم و خویشاوندان خود را به قتل برسانیم و مفسد فی الارض باشیم؟! قرآن مجید در پاسخ آن‌ها می‌گوید: آن روز که حکومت در دست شما بود، جز فساد و خون‌ریزی و قطع رحم، کاری داشتید؟! این‌ها بهانه است. هدف از جنگ در اسلام، خاموش کردن آتش فتنه است و به هیچ وجه فساد و تباهی در زمین نمی‌باشد. هدف مبارزه و جهاد در اسلام، برچیدن بساط ظلم و ستم بوده، قطع رحم نمی‌باشد، ولی منافقان در برابر مؤمنان، ساز خود را می‌زدند (شنبه ۱۴۰۰/۲/۴)!

را قطع کرده و نسبت به ارحام خود بد رفتاری می‌کنند بر حذر باش، که من آن‌ها را در سه آیه از قرآن ملعون یافتیم، سپس آیه فوق را نیز تلاوت فرمودند. در حدیث دیگری از رسول گرامی اسلام حضرت محمد (ص) نیز چنین می‌خوانیم: سه گروه هستند که هرگز داخل بهشت نمی‌شوند: شراب خواران، ساحران و قطع کنندگان رحم (یک شنبه ۱۴۰۰/۲/۵).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا
(آیه ۲۴ سوره محمد)

آیا آن‌ها در قرآن تدبر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟!

یادآوری

تدبر در قرآن مجید و عمل به دستورات این کتاب آسمانی باعث هدایت و رستگاری انسان می‌باشد. راهنمایی‌های قرآن همیشه آرام‌بخش و هدایت‌گر بوده، عمل به آن‌ها باعث می‌شود که افراد نوع بشر، از گمراهی نجات یافته، به راه راست هدایت شوند. از این رو، آیه فوق به ذکر علت واقعی انحراف منافقان و افراد از خدا بی‌خبر و کفار نگون بخت پرداخته و می‌گوید: آیا آن‌ها در آیات قرآن تدبر نمی‌کنند (تا حقیقت را دریابند و وظایف خود را انجام دهند)، یا بر دل‌های آن‌ها قفل نهاده شده است؟! آری عامل بیچارگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى
أَبْصَارَهُمْ (آیه ۲۳ سوره محمد)

آن‌ها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوش‌هایشان را کور و چشم‌های شان را کور کرده است.

یادآوری

خداوند تبارک و تعالی علیرغم اتمام حجت با منافقان و همدارهای لازم به ایشان، سرانجام سرنوشت نهایی این گروه منافق و بهانه جوی مفسد را در آیه فوق چنین بیان می‌کند: آن‌ها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوش‌هایشان را کور و چشم‌هایشان را کور نموده است. به این ترتیب این افراد منافق و کور دل، نه حقیقتی را می‌شنوند و نه واقعیتی را می‌بینند. آن‌ها جهاد اسلامی را که بر معیار حق و عدالت است، قطع رحم و فساد فی الارض می‌پندارند، اما آن همه جنایاتی را که در جاهلیت مرتکب شدند و خون‌های بی‌گناهی را که در دوران حکومتشان ریختند و نوزادان معصومی را که با دست خود زیر خاک پنهان کردند، مطابق با حق و عدالت می‌دانند؟! لعنت خدا بر این منافقان کور دل باد که نه گوش شنوا دارند و نه دارای چشم بینا می‌باشند! در روایتی از امام علی ابن الحسین (ع) خطاب به فرزندش امام باقر (ع) چنین می‌خوانیم که فرمود: فرزندم! از دوستی با افرادی که پیوند خویشاوندی

بلکه هدف نهایی از آن، یادآوری، تدبیر، انذار، خارج کردن انسان‌ها از ظلمات به نور و شفا و رحمت و هدایت است. به همین دلیل در آیه ۵۰ سوره انبیاء می‌خوانیم که این یادآوری پُر برکتی است که ما نازل کرده ایم. از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد تا تدبیر در کارها داشته باشیم. از درگاهش مسئلت می‌نماییم که مصلحان و رهبران جامعه را طوری هدایت فرماید که در گفتار و کردار خویش، مروج پندگیری از هدایت‌گری‌های قرآن مجید بوده، اجتماع و مردم را از یک دندگی و لجاجت‌بازی، بر حذر دارند (دوشنبه ۱۴۰۰/۲/۶).

ایام‌تان به کام، عاقبت‌تان ختم به خیر.

التماس دعا.

آن‌ها یکی از این دو چیز است: یا در قرآن، این برنامه هدایت الهی و این نسخه کامل شفابخش تدبیر نمی‌کنند و یا اگر تدبیر می‌کنند، بر اثر هوی پرستی و اعمالی که از قبل انجام داده‌اند، قفل‌ها بر دل‌های آن‌ها است، به گونه‌ای که هیچ حقیقتی در آن نفوذ نمی‌کند. به تعبیر دیگر، اگر کسی راه خود را در ظلمات گم می‌کند، یا چراغی در دست ندارد و یا چشم او نابینا است. بنابراین، اگر این فرد هم چراغ داشته باشد و هم چشم بینا، یافتن راه، همه جا آسان است. واقعیت مسأله این است که آیات مختلف قرآن مجید، این حقیقت را فاش می‌گویند که این کتاب بزرگ آسمانی تنها برای تلاوت نیست،